

مأخذشناسی روش‌های پژوهش در تاریخ

دکتر حسن حضرتی
استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران

اشاره
روش یا روش‌های پژوهش، از موضوعات مهم و تأثیرگذار در همه‌ی علوم به شمار می‌رود. هر جستجوی علمی منظم و هدفمند نیازمند روش (method) است. بنابراین از زمان تکوین هر علمی، مسأله روش تحقیق در آن مورد توجه قرار گرفته است.

تأمل در روش‌های پژوهش در علوم انسانی نیز همانند دیگر علوم، از نکاتی بوده که ذهن اندیشمندان این حوزه‌ی علمی را به خود معطوف کرده است. در رشته‌های علمی مانند روان‌شناسی، علوم سیاسی و علوم اجتماعی اثاث مختلفی در سطوح متفاوت برای تبیین روش‌های تحقیق به نگارش درآمده است. اما سوگمندانه باید گفت تاریخ‌دانان در کشور ما چندان دغدغه‌ی روش نداشتن و بیشتر ترجیح می‌دادند درگیر رویداد تاریخی باشند تا روش‌های پژوهش در آن رویداد شاهد مثال، حجم بسیار محدودی از کتاب‌ها و رساله‌هایی است که در رشته‌ی تاریخ درباره‌ی روش تحقیق به زیور طبع آراسته شده است که در ادامه به نقد و بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

به هر حال، اگر داشت تاریخ به متابه یک علم مورد پذیرش است، باید در کنار موضوع و فایده، برخوردار از روش علمی ویژه‌ی خود نیز باشد. عموماً انان که تاریخ را داشت مستقل تلقی نمی‌کنند و نگاهی برابر با قصه و داستان بدان دارند، از سخن گفتن در باب روش در تاریخ‌شناسی طفره می‌روند. غالباً تر این که برخی از تاریخ‌ورزان بر کار، که ابتته به شیوه‌ی سنتی و بدون تکیه بر روش‌های علمی، سالیانی را به غور در تاریخ گذرانیده‌اند، بیش از دیگرانی که اصلاً در این حوزه پژوهشی وارد نمی‌شوند، نسبت به طرح موضوعاتی از قبیل روش‌های پژوهش در تاریخ حساسیت نشان می‌دهند و در مواردی به شدت بدان می‌تازند و ورود کنندگان در آن را به خروج از قلمرو تاریخ و تاریخ‌ورزی متهم می‌کنند.

واقعیت امر این است که اگر پذیرفتۀ‌ایم دیپارتمان تاریخ‌شناسی در دانشگاه داشته باشیم، بالطبع باید پذیریم که در این دیپارتمان‌های تاریخ، تاریخ‌شناسی باید به گونه‌ای متفاوت از آن چه بیرون از دانشگاه‌ها به صورت خودگوش و از سر ذوق، دنبال می‌شود، آموزش داده شود. گونه‌ی متفاوت یعنی همان مطالعه‌ی تاریخ مبتنی بر روش‌های علمی که در این حوزه‌ی معرفتی، حالا بعد از چند سده، جا افتاده و مورد پذیرش و تأکید محققان آکادمیک تاریخ‌شناسی در سراسر جهان قرار گرفته است. می‌دانیم اگر اروپا و به طور کلی غرب در حال حاضر در داشت تاریخ حرفی

مختلفی در زمینه‌ی روش تحقیق نوشته شود، کمک شایانی به تقویت رویکرد علمی در تحقیقات تاریخی خواهد نمود.

تعداد کتاب‌هایی که تاکنون درباره‌ی روش تحقیق در تاریخ تأثیر و یا حتی ترجمه شده، کمتر از بیست مورد است که سعی می‌کنند در این قسمت بیشتر آن‌ها را مورد تقد و بررسی قرار دهیم، بنابراین قضایت درباره‌ی کیفیت آن‌ها را به سطور آتی واگذار نمی‌نماییم، اما پیش‌تر باید به این واقعیت اشاره کنیم که این حجم اندک از تأثیر و ترجمه‌های در زمینه‌ی روش تحقیق در تاریخ، گویای واقعیت‌هایی غیر قابل انکار است؛ خست این که در اندیشه‌ی تاریخ‌پژوهان دانشگاهی ما موضوع «روش» چنان جایگاهی نداشته است و ندارد. اگر غیر از این بود مثل دیگر رشته‌های علوم انسانی شاهد تحقیقات و تأثیرات فراوانی در حوزه‌ی روش تحقیق در تاریخ بودیم، در حالی که این گونه نیست، دوم این که، این واقعیت تلخ نشان می‌دهد تا چه حد تحقیقات تاریخی دانشگاهی در کشور، فاقد روش علمی بوده و خست. به عبارت دیگر از این زاوية نمی‌توان میان پژوهش‌های دانشگاهی و غیردانشگاهی تمایز جدی قائل شد. زیرا هر دو این پژوهش‌ها دارای یک وجه مشترک بسیار تعیین کننده‌اند و آن فقدان روش و عدم پایان بندی به الزام تحقیق علمی است. سوم این که، این پژوهش‌ها در حد اعلای خود موفق به ارائه «اطلاعات» مفید و منظم می‌شوند و نه بیش از آن، به عبارت دیگر نمی‌توانند به سطح نظریه‌پردازی که هیچ، حتی نظریه‌آزمایی بررسند.

اما آثار تأثیر و یا ترجمه‌شده درباره روش‌های پژوهش در تاریخ‌شناسی:

— مقدمه‌ای بر روش تحقیق در تاریخ، م. ذاکر، تهران: نشر آیت، بی‌تا نمی‌دانیم نویسنده در چه تاریخی کتابش را نوشته و به زیور طبع آراسته است، اما از خواهر ابر برمی‌اید که مربوط به پیش از انقلاب باشد. ساختار کتاب مشتمل بر بک مقدمه و چهار فصل کوتاه و یک نتیجه با عنوان «خلاصه متن» است. عنوان فصول چهارگانه عبارت است از ۱. تاریخ چیست؟ ۲. روش شناخت، ۳. زمینه شناخت. ۴. فلسفه تاریخ.

آن گونه که از «مقدمه» نویسنده در ابتدای اثر برمی‌اید، دغدغه جدی وی از تأثیر این کتاب، زدون نگرش‌های قرون وسطایی از محققان تاریخ در پیش تاریخی است. روشی تصاویر که از سوی برخی از محققان تاریخ در پیش گرفته می‌شود تا مبتنی بر پیش فرض‌های خود، ابتدا پیش‌داوری کنند و سپس برای اثبات آن پیش‌داوری‌ها به پژوهش پردازند. به زعم نویسنده، این رویه که ریشه در نگرش قرون وسطایی به تاریخ دارد، در حال حاضر نیز به عنوان آفت جدی تحقیقات تاریخی در جوامع مسلمان و بخصوص ایران به شمار می‌رود: «عالم در اینجا به آن محققی گفته می‌شود که از آغاز تحقیق در بی اثبات این حقایق باشد و از این گونه محققان در زمان ما کم نیستند، محققانی که با پذیرش قالب‌های تحقیقی و تحلیلی آماده و با تعهد به تعمیم و تحمل عقیده، به پژوهش در حوزه‌های گوناگون علمی می‌پردازند و در عصر حاضر بهنجه علوم انسانی و بخصوص تاریخ عرصه عمل چنین محققانی

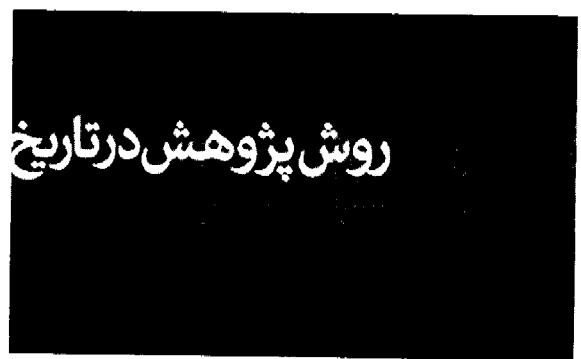
برای گفتن دارد، از آن روز است که از قرن هیجدهم، قالب‌های سنتی را اشکسته و در مسیر روش‌مندی گام برداشته است. این را هم می‌دانیم که اگر ما اکنون نمی‌توانیم همانند اندیشمندان غرب به تولید علم در گستره‌ی تاریخ ایران و اسلام بپردازیم، به جهت عدم تسلط کافی به مقوله‌ی روش در تاریخ‌پژوهی است. اهل فن می‌دانند که مهم‌ترین کتاب‌های دانشگاهی در حوزه‌ی تاریخ ایران باستان و ایران اسلامی به سبکی مستشرقان سرشناس نوشته شده است و خود ما کمترین سهم را داریم. در حوزه‌ی تاریخ اسلام و حتی تاریخ شیعی هم وضع به همین متوال است. چند درصد تولیدات علمی قابل اعتبار از آن خود مسلمانان است؟ مهم‌ترین کتاب‌هایی که درباره‌ی تاریخ تمدن اسلامی نوشته شده، چند درصد آن به قلم نویسنده‌گان مسلمان است؟ به جرأت می‌توان گفت که هیچ تفاوتی بین ما و غربیان در این موضوع نیست مگر این که آنان اشراف و تسلط به روش دارند و برعکس ما در این بخش ضعیف و اسیب‌بیزیر نشان می‌دهیم.

پژوهش‌های مربوط به تاریخ انقلاب اسلامی هم از چنین وضعیتی برخوردار است. علیرغم این که مواد اولیه اعم از اسناد و خاطرات و دیگر منابع مکتوب و غیر مکتوب درباره‌ی انقلاب اسلامی اغلب در داخل کشور و در دسترس محققان بومی قرار دارد، اما شاهدیم که هم از حیث کمی و کیفی، آثاری که در دانشگاه‌های اروپا و آمریکا درباره‌ی انقلاب اسلامی نوشته و منتشر می‌شود، از قوت و استحکام علمی بیشتری برخوردار است.

این هسرا گفتیم تا به این موضوع تأکید کنیم که اگر اهل تاریخ مقوله‌ی «روش» را در تاریخ‌ورزی و تاریخ‌شناسی جدی نگیرند، بحرانی را که در حال حاضر جامعه‌ی علمی ما را از حیث عدم برخورداری از توان لازم برای تولید علم در برگرفته است، با موقفيت پست سر نخواهد گذاشت.

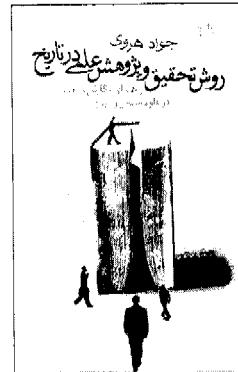
یکی از مشکلات عمده‌ای که پیش روی محققان و دانشجویان تاریخ در این زمینه قرار دارد، کمبود متن‌هایی با موضوع روش تحقیق است که هم از نظر کمی و هم کیفی اصلاً قابل مقایسه با آن چه در علوم دیگری مانند جامعه‌شناسی، علم سیاست و ... شاهدیم، نیست. به جرأت می‌توان گفت که تاریخ‌شناسی جزو آن دسته از علمی است که در آن کمترین توجه به روش‌های تحقیق صورت گرفته است. شاهد این مدعای حجم سیار اندک آثار انتشار یافته در این حوزه از تأسیس نخستین رشته‌ی دانشگاهی تاریخ (گروه تاریخ دانشگاه تهران) تاکنون است.

کمبود متون روش تحقیق در تاریخ، دانشجویان را با مشکلات و موانع عدیده‌ای در دوره‌ی تحصیل به ویژه در مقطع نگارش پایان نامه مواجه می‌سازد. تصور بر این است که اگر با همت هم‌قطاران در رشته‌ی تاریخ، متون



بوده است.^۳

نویسنده در تلاش است با تأثیف این اثر، رویکرد علمی را در پژوهش‌های تاریخی تقویت کند، تا بلکه غرض‌ورزی‌های متوجهانه که به‌زعم وی «مهلکترین و ناجوانمردانه‌ترین ضریبه‌ها» را بر پیکر یک قوم وارد می‌سازد، در ساحت داشت تاریخ، بیشتر از این که هست، قوت نگیرد: «اهمیت این مسأله و بهویژه تمایل و یا تعهد برخی از تحلیلگران تاریخ به تحمل و تعمیم بیش فلسفی خاص خود در پژوهش‌های تاریخی جوامع مسلمان و بهخصوص ایران، ضرورت توجه دوباره به روش تحقیق علمی تاریخ را مطرح می‌سازد. چه اگر محقق معرض را به سنجش دوباره کارش بازنخواهد لاقل به خواسته‌ی بی‌غرض امکان قضاوتی منصفانه در ارزش‌گذاری کار پژوهشگران را خواهد داد.^۴

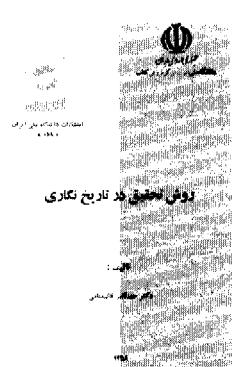


نویسنده در فصل اول کتاب در بی آن است که با ارائه‌ی تعریفی از علم تاریخ که به‌زعم وی «علم شناخت حقیقت»^۵ است، با استناد به آیاتی از قران کریم بر عالمیت آن تأکید ورزد. بر این اساس اعتقاد دارد که مسلمانان پیش از غربی‌ها به علمیت تاریخ تأکید کرده‌اند. زیرا این خلدون پیش از غربی‌ها در «قدممه» العبر در باره علمیت تاریخ سخن گفته است.

ذاکر در ادامه، بحثی درباره‌ی روش تحقیق در تاریخ و تفاوت آن با روش تحقیق در علوم تجربی ارائه می‌کند: «برای محقق تاریخ مشاهده‌ی مستقیم وقایع در گذشته‌های نسبتاً دور و مخصوصاً تکرار و ازیماست آن‌ها به هیچ وجه امکان بذیر نیست و اختلاف روش تحقیق تاریخ و سایر علوم نیز از همین جا ریشه می‌گیرد. در علوم تجربی برای دست‌یابی به علل و امور کلی، به کمک تجربه و آزمایش مداوم، جلوه‌های استثنایی واقعیت حذف می‌شود. در حالی که در تاریخ بر آن‌ها تأکید می‌شود. اگر استثناء امری است که بروز دوباره‌اش بر احتمالی سیار ضعیف استوار باشد و بهندرت بار دیگر به همان صورت نخست تکرار شود، پس تاریخ علم استثناهاست. زیرا که هر واقعه‌ای در آن تنها یک بار وقوع می‌باشد و وظیفه‌ی عالم در اینجا نه حذف استثناهاست، بلکه بررسی دقیق و کشف علل سنت‌های حاکم بر آن است.^۶

نویسنده در فصل دوم رمز موقیت عالم را در مسیر کشف حقیقت، ایجاد شجاعت تردید در حقیقت خویش، بیان می‌کند: «پس شک در ذهنیات خویش و خشوع در برابر واقعیات راستین، نخستین گامی است که محقق باید بسوی کشف حقیقت بردارد و این نخستین قدم همواره دشوارترین نیز هست.^۷ و پس از آن مهم‌ترین ابزار رسیدن به حقیقت را عقل انسانی عنوان می‌کند که عالم بایستی با پرهیز از تقلید، با به میدان اوردن قوه‌ی عقل به تأمل در حوادث و رویدادها بپردازد و درباره‌ی چیستی، چگونگی و چرایی آن حوادث به تعلق بپردازد و بدین گونه است که ورای تاریخ به فلسفه‌ی تاریخ ورود بیدا می‌کند: «عالم تاریخ با تفکر درست و همه‌جانبه، علت‌های را می‌باید و چون آن‌ها را یافت، بر آن می‌شود که رابطه‌ی میان علل را نیز کشف کند و در این جهت، عقل را به یاری می‌گیرد. محصول نهایی فعالیت عقلانی عالم در این مرحله «بیش نظم‌بافته» یا «فلسفه‌ی تاریخ» است.^۸

فصل سوم با عنوان «زمینه‌ی شناخت» به بررسی آثار و نشانه‌هایی می‌پردازد



که پژوهشگر تاریخ مبتنی بر آن‌ها به مطالعه و تأمل در حادث گذشته روى می‌آورد. از این رو مؤلف، آثار و نشانه‌های بجا مانده را به دو گروه کلی تقسیم می‌کند: الف - آثار و نشانه‌های مادي و ب - آثار و نشانه‌های غیرمادی.

آثار مادی به مفهوم تبلور و تجلی عقاید، معیارها، ارزش‌ها و نیازهای انسان است در مواد خام طبیعی و این در چهره‌های گوناگون همچون شکل معماری، نوع مسکن، لباس، ابزار معيشت، اسباب جنگ، وسائل تفریح، اشیاء زینتی و... جلوه می‌کند.

آثار غیرمادی هم به مفهوم نشانه‌ها و یادگارهایی است که بیشتر منعکس‌کننده شرایط و خصوصیات فرهنگی و عقیدتی یک قوم‌اند. این آثار مربوط به هر دوره‌ای که باشند اغلب تجلی روشی از عقاید، مقدسات، ارزش‌های انتقادی و نیز خواسته‌ها و نیازها و ارزوهای انسان آن دوره‌اند.^۹

نویسنده در میان آثار غیرمادی، جایگاه ویژه‌ای را به آثار مکتوب می‌بخشد: «چه این‌گونه مدارک بالقوه می‌توانند اوضاع و شرایط اجتماعی و فرهنگی زمان خود را به روشی تصویر کنند و شناساگر ارزش‌های حاکم بر محیط خویش باشند.^{۱۰} با این حال تأکید می‌کند که پژوهشگر تاریخ همواره بایستی رویکردی انتقادی نسبت به آثار مکتوب به‌جامانده داشته باشد. به‌زعم نویسنده نکاتی که در این رویکرد تقدانه لازم است مورد توجه محقق تاریخ باشد - به صورت اجمال - بدین قرار است: ۱. باید دانست که راوی یا نویسنده کیست؟ ۲. رابطه‌ی نویسنده با وقایع (از نظر فاصله‌ی زمانی) چگونه بوده است؟^{۱۱} ۳. باید معین کرد که آیا راوی همه‌ی حادث را با دقیقی یکسان نگیرسته و سرح داده یا این که برای پاره‌ای از آن‌ها اهمیت بیشتری قائل شده است؟^{۱۲} ۴. باید به لحن و طرز بیان مطالب (عربیان است و یا در قالب کنایه، اشاره و تمثیل و طنز بیان شده) توجه کرد. ۵. متون را بایستی با یکدیگر مقایسه کرد تا صحت و سبق آن‌ها روشش شود.^{۱۳}

نویسنده در فصل چهارم و پایانی کتاب با موضوع «فلسفه‌ی تاریخ»، آن را شناسانده‌ی حقیقت حاکم بر تاریخ و تحولات بی‌وقفه‌ی آن تعریف می‌کند که البته زائیده‌ی ذهن مورخ نیست؛ بلکه واقعیت مستقل از پندره‌ها و سلیقه‌های است.^{۱۴} به‌زعم مؤلف، اتکاء به روش تحقیق صحیح در بررسی رویدادهای تاریخی، انسان را به کشف و ارائه‌ی این فلسفه قادر می‌سازد. فلسفه‌ی تاریخی که دارای چنین ویژگی‌هایی است: ۱. دامنه‌اش تمامی گذشته‌ی انسان را دربرمی‌گیرد و همه‌ی حادث اجتماعی را تحلیل و تبیین می‌کند. ۲. از توجیه منطقی هیچ حادثیه‌ای بازنمی‌ماند و هیچ رویدادی را استثناء نمی‌خواهد. ۳. تنها به گذشته‌ها نمی‌پردازد، بلکه از تحولات و دگرگونی‌های جوامع در حال و آینده نیز خبر می‌دهد و جهت تحولات و چگونگی آن‌ها را بیان می‌کند. بنابر این، این بیشتر نیزگی امروز انسان‌ها رابطه‌ی مستقیم و عینی دارد.^{۱۵}

همان‌گونه که از سطور بالا بر می‌آید، اثر م. ذاکر اگرچه بحث‌های سودمندی درباره‌ی علم تاریخ، چگونگی استفاده از منابع و مراجع و همین‌طور فلسفه‌ی تاریخ ارائه می‌دهد، اما هیچ بحث در خصوص تکنیک‌های روش تحقیق تاریخی ندارد. نویسنده‌ی مقدمه‌ای بر روش تحقیق

اگر اهل تاریخ مقوله‌ی «روش» را در تاریخ‌ورزی و تاریخ‌شناسی جدی تکرین، بحرانی را که در حال حاضر جامعه‌ی علمی ما را از حیث عدم برخورداری از توان لازم برای تولید علم در برگرفته است، با موفقیت پشت سر نخواهد گذاشت

مأخذشناسی

تاریخ‌نگاری دارد، به شدت - حتی در انتخاب عنوانین زیر فصل‌ها - متأثر از کتاب «مکتب‌های تاریخی و تجددگرایی در تاریخ» از عزت‌الله رادمنش است. باز به همین روال فصل چهارم (نسخه‌شناسی) کاملاً رونویسی از کتاب‌های «تفصیل و تصحیح متون» و «تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی» از نجیب مایل هروی و کتاب «روش تحقیق انتقادی متون» از برگشت‌راسر است. تمامی فصول دیگر کتاب نیز چنین وضعیتی دارند. به جای نویسنده، این دیگران هستند که با خواننده سخن می‌گویند. بنابراین می‌توان این اثر عزت‌الله نوذری را همانند دیگر آثارشان - مانند «تاریخ اروپا در قرون وسطی» و... - یک رونویسی نه‌چندان سودمند از آثار پیشینیان دانست.

- روش تحقیق و پژوهش علمی در تاریخ (راهنمای نگارش تحقیقات در علوم انسانی و تاریخ)، جواد هروی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶

این کتاب در هشت بخش سامان یافته که عنوانین آن عبارت است از: ۱. جایگاه پژوهش و روش تحقیق علمی در تاریخ. ۲. ویژگی‌های مورخ و پژوهشگر علمی تاریخ. ۳. مختصات نظری پژوهش تاریخی. ۴. دایره‌ی مواد تحقیق در پژوهش‌های تاریخی. ۵. شبکه‌ی اطلاع‌رسانی اینترنت و پژوهش تاریخی عیادداشت‌برداری یا استخراج و ثبت اطلاعات. ۷. نگارش نهایی و تدوین متن اصلی. ۸. نگارش الحالات و نکات دستوری و ویرایشی.

نویسنده در بخش‌های مختلف کتاب به تناسب موضوع، مباحثی را درباره‌ی مسائل مختلف روش تحقیق تاریخی مورد بررسی و توجه قرار داده است. مؤلف این کتاب از جیت جمع‌آوری اطلاعات سودمند درباره‌ی مباحث مختلف روش تحقیق تاریخی، تلاش و سعی و فری از خود نشان داده است. اما متن مذکور فاقد نوآوری و مباحث بکر و جدید است. بنابراین می‌توان گفت کتاب روش تحقیق و پژوهش علمی در تاریخ ممتاز مناسبی از مباحثی است که در آثار پیش از این مانند اثر قائم مقامی و یا کتاب شارل ساماران و... آمده بود.

- درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ، علیرضا ملائی توانی، تهران: نی، ۱۳۸۶

این کتاب یکی از پژوهش‌های منسجم و مفید در حوزه‌ی روش تحقیق تاریخی است. نویسنده سعی کرده است متن منقح و موزونی را در اختیار داشن اموختگان تاریخ قرار دهد. بر این اساس، مطالب کتاب در هشت فصل به شرح زیر سامان یافته است: ۱. مفاهیم و مبانی پژوهش علمی در تاریخ. ۲. روش‌شناسی تحقیقات تاریخی. ۳. طرح تحقیق. ۴. شناسایی

در تاریخ بین از آن که شیوه‌های فنی و حرفه‌ای پژوهش تاریخی را به خوانندگان آموزش دهد، سعی کرده است آنان را از گرایش‌ها و گروش‌های ایدئولوژیکی و جانبدارانه و همراه با پیش‌فرض‌های متصلانه به موضوعات تاریخی پرهیز نماید، که البته دغدغه‌ی یادشده در جای خود در حوزه‌ی تاریخ‌ورزی علمی همواره دغدغه‌ی مهمی بوده و هست.

- راهنمای پژوهش‌های تاریخی (کتاب خانه‌ای)، پرویز فخرزاده، تهران: طهوری، ۱۳۸۴

اگر حاضر در هشت بخش به شرح زیر سامان یافته است: ۱. روش علمی. ۲. منابع بررسی و ارزیابی آنان. ۳. استناد کردن. ۴. ابزار کمکی در نوشتارهای پژوهشی. ۵. بررسی در عمل. ۶. تنظیم پیش‌نویس گزارش. ۷. حروف‌چنی. ۸. نگرش انتقادی و کارهای پایانی.

نویسنده در فصول مختلف کتاب، موضوعات متنوع و گوناگونی را درباره‌ی روش تحقیق، گزارش‌نویسی، مقاله‌نویسی و استناد و ویرایش، مورد توجه قرار داده است. اگرچه مباحث و موضوعات مطرح شده از جامعیت برخوردار است، اما بیشتر تمايل و گرایش نویسنده به سمت مسائل ویرایشی و ادبی تتمایل است. بر همین اساس موضوعات شکلی و دستور زبانی نسبت به مباحث دیگر غلبه‌ی بیشتری دارد.

- روش شناخت در تاریخ، عزت‌الله نوذری، شیراز: نوید شیراز، ۱۳۸۵

پژوهش حاضر در هشت فصل به موضوعات متنوعی در حوزه‌ی تاریخ‌نگاری، گاهشماری، شناخت منابع و نسخه‌شناسی پرداخته است. عنوانین فصول هشت گانه کتاب بدین قرار است: ۱. مکاتب تاریخ‌نگاری. ۲. گاهشماری، نسخه‌شناسی، تبدیل تاریخ. ۳. شناخت منابع و شیوه‌ی نقد در تاریخ. ۴. نسخه‌شناسی. ۵. چگونه بتویسیم ۶. روش تحقیق در تاریخ. ۷.

نقش پرسش‌نامه و روش تحقیق. ۸. اینترنت و تاریخ اگرچه محورهای مطرح شده در این کتاب بسیار متنوع و گسترده است، اما غالب مباحث فاقد نوآوری و بیشتر می‌توان گفت گردآوری و رونویسی و تکرار مباحثی است که در آثار دیگران پیش تر آمده است. برای نمونه مبحث گاهشماری در فصل دوم کاملاً مبتنی بر سه کتاب «گاهنامه‌ی تطبیقی سه هزار ساله ایران» از احمد بیرشک، «گاهشماری در تاریخ» از ابوالفضل بنی و «کلیات گاهشماری در جهان» از عزیزالله بیان است. به همین ترتیب فصل اول که اختصاص به مکاتب

نمایشگاه

- ۱- معرفت
- ۲- این تاریخ تاریخ
- ۳- معرفت
- ۴- معرفت
- ۵- معرفت
- ۶- معرفت
- ۷- معرفت
- ۸- معرفت
- ۹- معرفت
- ۱۰- معرفت
- ۱۱- معرفت
- ۱۲- معرفت
- ۱۳- معرفت
- ۱۴- معرفت
- ۱۵- معرفت
- ۱۶- معرفت
- ۱۷- معرفت
- ۱۸- معرفت
- ۱۹- معرفت
- ۲۰- معرفت
- ۲۱- معرفت
- ۲۲- معرفت
- ۲۳- معرفت
- ۲۴- معرفت
- ۲۵- معرفت
- ۲۶- معرفت
- ۲۷- معرفت
- ۲۸- معرفت
- ۲۹- معرفت
- ۳۰- معرفت
- ۳۱- معرفت
- ۳۲- معرفت
- ۳۳- معرفت
- ۳۴- معرفت
- ۳۵- معرفت
- ۳۶- معرفت
- ۳۷- معرفت
- ۳۸- معرفت
- ۳۹- معرفت
- ۴۰- معرفت
- ۴۱- معرفت
- ۴۲- معرفت
- ۴۳- معرفت
- ۴۴- معرفت
- ۴۵- معرفت
- ۴۶- معرفت
- ۴۷- معرفت
- ۴۸- معرفت
- ۴۹- معرفت
- ۵۰- معرفت
- ۵۱- معرفت
- ۵۲- معرفت
- ۵۳- معرفت
- ۵۴- معرفت
- ۵۵- معرفت
- ۵۶- معرفت
- ۵۷- معرفت
- ۵۸- معرفت
- ۵۹- معرفت
- ۶۰- معرفت
- ۶۱- معرفت
- ۶۲- معرفت
- ۶۳- معرفت
- ۶۴- معرفت
- ۶۵- معرفت
- ۶۶- معرفت
- ۶۷- معرفت
- ۶۸- معرفت
- ۶۹- معرفت
- ۷۰- معرفت
- ۷۱- معرفت
- ۷۲- معرفت
- ۷۳- معرفت
- ۷۴- معرفت
- ۷۵- معرفت
- ۷۶- معرفت
- ۷۷- معرفت
- ۷۸- معرفت
- ۷۹- معرفت
- ۸۰- معرفت
- ۸۱- معرفت
- ۸۲- معرفت
- ۸۳- معرفت
- ۸۴- معرفت
- ۸۵- معرفت
- ۸۶- معرفت
- ۸۷- معرفت
- ۸۸- معرفت
- ۸۹- معرفت
- ۹۰- معرفت
- ۹۱- معرفت
- ۹۲- معرفت
- ۹۳- معرفت
- ۹۴- معرفت
- ۹۵- معرفت
- ۹۶- معرفت
- ۹۷- معرفت
- ۹۸- معرفت
- ۹۹- معرفت
- ۱۰۰- معرفت
- ۱۰۱- معرفت
- ۱۰۲- معرفت
- ۱۰۳- معرفت
- ۱۰۴- معرفت
- ۱۰۵- معرفت
- ۱۰۶- معرفت
- ۱۰۷- معرفت
- ۱۰۸- معرفت
- ۱۰۹- معرفت
- ۱۱۰- معرفت
- ۱۱۱- معرفت
- ۱۱۲- معرفت
- ۱۱۳- معرفت
- ۱۱۴- معرفت
- ۱۱۵- معرفت
- ۱۱۶- معرفت
- ۱۱۷- معرفت
- ۱۱۸- معرفت
- ۱۱۹- معرفت
- ۱۲۰- معرفت
- ۱۲۱- معرفت
- ۱۲۲- معرفت
- ۱۲۳- معرفت
- ۱۲۴- معرفت
- ۱۲۵- معرفت
- ۱۲۶- معرفت
- ۱۲۷- معرفت
- ۱۲۸- معرفت
- ۱۲۹- معرفت
- ۱۳۰- معرفت
- ۱۳۱- معرفت
- ۱۳۲- معرفت
- ۱۳۳- معرفت
- ۱۳۴- معرفت
- ۱۳۵- معرفت
- ۱۳۶- معرفت
- ۱۳۷- معرفت
- ۱۳۸- معرفت
- ۱۳۹- معرفت
- ۱۴۰- معرفت
- ۱۴۱- معرفت
- ۱۴۲- معرفت
- ۱۴۳- معرفت
- ۱۴۴- معرفت
- ۱۴۵- معرفت
- ۱۴۶- معرفت
- ۱۴۷- معرفت
- ۱۴۸- معرفت
- ۱۴۹- معرفت
- ۱۵۰- معرفت
- ۱۵۱- معرفت
- ۱۵۲- معرفت
- ۱۵۳- معرفت
- ۱۵۴- معرفت
- ۱۵۵- معرفت
- ۱۵۶- معرفت
- ۱۵۷- معرفت
- ۱۵۸- معرفت
- ۱۵۹- معرفت
- ۱۶۰- معرفت
- ۱۶۱- معرفت
- ۱۶۲- معرفت
- ۱۶۳- معرفت
- ۱۶۴- معرفت
- ۱۶۵- معرفت
- ۱۶۶- معرفت
- ۱۶۷- معرفت
- ۱۶۸- معرفت
- ۱۶۹- معرفت
- ۱۷۰- معرفت
- ۱۷۱- معرفت
- ۱۷۲- معرفت
- ۱۷۳- معرفت
- ۱۷۴- معرفت
- ۱۷۵- معرفت
- ۱۷۶- معرفت
- ۱۷۷- معرفت
- ۱۷۸- معرفت
- ۱۷۹- معرفت
- ۱۸۰- معرفت
- ۱۸۱- معرفت
- ۱۸۲- معرفت
- ۱۸۳- معرفت
- ۱۸۴- معرفت
- ۱۸۵- معرفت
- ۱۸۶- معرفت
- ۱۸۷- معرفت
- ۱۸۸- معرفت
- ۱۸۹- معرفت
- ۱۹۰- معرفت
- ۱۹۱- معرفت
- ۱۹۲- معرفت
- ۱۹۳- معرفت
- ۱۹۴- معرفت
- ۱۹۵- معرفت
- ۱۹۶- معرفت
- ۱۹۷- معرفت
- ۱۹۸- معرفت
- ۱۹۹- معرفت
- ۲۰۰- معرفت
- ۲۰۱- معرفت
- ۲۰۲- معرفت
- ۲۰۳- معرفت
- ۲۰۴- معرفت
- ۲۰۵- معرفت
- ۲۰۶- معرفت
- ۲۰۷- معرفت
- ۲۰۸- معرفت
- ۲۰۹- معرفت
- ۲۱۰- معرفت
- ۲۱۱- معرفت
- ۲۱۲- معرفت
- ۲۱۳- معرفت
- ۲۱۴- معرفت
- ۲۱۵- معرفت
- ۲۱۶- معرفت
- ۲۱۷- معرفت
- ۲۱۸- معرفت
- ۲۱۹- معرفت
- ۲۲۰- معرفت
- ۲۲۱- معرفت
- ۲۲۲- معرفت
- ۲۲۳- معرفت
- ۲۲۴- معرفت
- ۲۲۵- معرفت
- ۲۲۶- معرفت
- ۲۲۷- معرفت
- ۲۲۸- معرفت
- ۲۲۹- معرفت
- ۲۳۰- معرفت
- ۲۳۱- معرفت
- ۲۳۲- معرفت
- ۲۳۳- معرفت
- ۲۳۴- معرفت
- ۲۳۵- معرفت
- ۲۳۶- معرفت
- ۲۳۷- معرفت
- ۲۳۸- معرفت
- ۲۳۹- معرفت
- ۲۴۰- معرفت
- ۲۴۱- معرفت
- ۲۴۲- معرفت
- ۲۴۳- معرفت
- ۲۴۴- معرفت
- ۲۴۵- معرفت
- ۲۴۶- معرفت
- ۲۴۷- معرفت
- ۲۴۸- معرفت
- ۲۴۹- معرفت
- ۲۵۰- معرفت
- ۲۵۱- معرفت
- ۲۵۲- معرفت
- ۲۵۳- معرفت
- ۲۵۴- معرفت
- ۲۵۵- معرفت
- ۲۵۶- معرفت
- ۲۵۷- معرفت
- ۲۵۸- معرفت
- ۲۵۹- معرفت
- ۲۶۰- معرفت
- ۲۶۱- معرفت
- ۲۶۲- معرفت
- ۲۶۳- معرفت
- ۲۶۴- معرفت
- ۲۶۵- معرفت
- ۲۶۶- معرفت
- ۲۶۷- معرفت
- ۲۶۸- معرفت
- ۲۶۹- معرفت
- ۲۷۰- معرفت
- ۲۷۱- معرفت
- ۲۷۲- معرفت
- ۲۷۳- معرفت
- ۲۷۴- معرفت
- ۲۷۵- معرفت
- ۲۷۶- معرفت
- ۲۷۷- معرفت
- ۲۷۸- معرفت
- ۲۷۹- معرفت
- ۲۸۰- معرفت
- ۲۸۱- معرفت
- ۲۸۲- معرفت
- ۲۸۳- معرفت
- ۲۸۴- معرفت
- ۲۸۵- معرفت
- ۲۸۶- معرفت
- ۲۸۷- معرفت
- ۲۸۸- معرفت
- ۲۸۹- معرفت
- ۲۹۰- معرفت
- ۲۹۱- معرفت
- ۲۹۲- معرفت
- ۲۹۳- معرفت
- ۲۹۴- معرفت
- ۲۹۵- معرفت
- ۲۹۶- معرفت
- ۲۹۷- معرفت
- ۲۹۸- معرفت
- ۲۹۹- معرفت
- ۳۰۰- معرفت
- ۳۰۱- معرفت
- ۳۰۲- معرفت
- ۳۰۳- معرفت
- ۳۰۴- معرفت
- ۳۰۵- معرفت
- ۳۰۶- معرفت
- ۳۰۷- معرفت
- ۳۰۸- معرفت
- ۳۰۹- معرفت
- ۳۱۰- معرفت
- ۳۱۱- معرفت
- ۳۱۲- معرفت
- ۳۱۳- معرفت
- ۳۱۴- معرفت
- ۳۱۵- معرفت
- ۳۱۶- معرفت
- ۳۱۷- معرفت
- ۳۱۸- معرفت
- ۳۱۹- معرفت
- ۳۲۰- معرفت
- ۳۲۱- معرفت
- ۳۲۲- معرفت
- ۳۲۳- معرفت
- ۳۲۴- معرفت
- ۳۲۵- معرفت
- ۳۲۶- معرفت
- ۳۲۷- معرفت
- ۳۲۸- معرفت
- ۳۲۹- معرفت
- ۳۳۰- معرفت
- ۳۳۱- معرفت
- ۳۳۲- معرفت
- ۳۳۳- معرفت
- ۳۳۴- معرفت
- ۳۳۵- معرفت
- ۳۳۶- معرفت
- ۳۳۷- معرفت
- ۳۳۸- معرفت
- ۳۳۹- معرفت
- ۳۴۰- معرفت
- ۳۴۱- معرفت
- ۳۴۲- معرفت
- ۳۴۳- معرفت
- ۳۴۴- معرفت
- ۳۴۵- معرفت
- ۳۴۶- معرفت
- ۳۴۷- معرفت
- ۳۴۸- معرفت
- ۳۴۹- معرفت
- ۳۵۰- معرفت
- ۳۵۱- معرفت
- ۳۵۲- معرفت
- ۳۵۳- معرفت
- ۳۵۴- معرفت
- ۳۵۵- معرفت
- ۳۵۶- معرفت
- ۳۵۷- معرفت
- ۳۵۸- معرفت
- ۳۵۹- معرفت
- ۳۶۰- معرفت
- ۳۶۱- معرفت
- ۳۶۲- معرفت
- ۳۶۳- معرفت
- ۳۶۴- معرفت
- ۳۶۵- معرفت
- ۳۶۶- معرفت
- ۳۶۷- معرفت
- ۳۶۸- معرفت
- ۳۶۹- معرفت
- ۳۷۰- معرفت
- ۳۷۱- معرفت
- ۳۷۲- معرفت
- ۳۷۳- معرفت
- ۳۷۴- معرفت
- ۳۷۵- معرفت
- ۳۷۶- معرفت
- ۳۷۷- معرفت
- ۳۷۸- معرفت
- ۳۷۹- معرفت
- ۳۸۰- معرفت
- ۳۸۱- معرفت
- ۳۸۲- معرفت
- ۳۸۳- معرفت
- ۳۸۴- معرفت
- ۳۸۵- معرفت
- ۳۸۶- معرفت
- ۳۸۷- معرفت
- ۳۸۸- معرفت
- ۳۸۹- معرفت
- ۳۹۰- معرفت
- ۳۹۱- معرفت
- ۳۹۲- معرفت
- ۳۹۳- معرفت
- ۳۹۴- معرفت
- ۳۹۵- معرفت
- ۳۹۶- معرفت
- ۳۹۷- معرفت
- ۳۹۸- معرفت
- ۳۹۹- معرفت
- ۴۰۰- معرفت
- ۴۰۱- معرفت
- ۴۰۲- معرفت
- ۴۰۳- معرفت
- ۴۰۴- معرفت
- ۴۰۵- معرفت
- ۴۰۶- معرفت
- ۴۰۷- معرفت
- ۴۰۸- معرفت
- ۴۰۹- معرفت
- ۴۱۰- معرفت
- ۴۱۱- معرفت
- ۴۱۲- معرفت
- ۴۱۳- معرفت
- ۴۱۴- معرفت
- ۴۱۵- معرفت
- ۴۱۶- معرفت
- ۴۱۷- معرفت
- ۴۱۸- معرفت
- ۴۱۹- معرفت
- ۴۲۰- معرفت
- ۴۲۱- معرفت
- ۴۲۲- معرفت
- ۴۲۳- معرفت
- ۴۲۴- معرفت
- ۴۲۵- معرفت
- ۴۲۶- معرفت
- ۴۲۷- معرفت
- ۴۲۸- معرفت
- ۴۲۹- معرفت
- ۴۳۰- معرفت
- ۴۳۱- معرفت
- ۴۳۲- معرفت
- ۴۳۳- معرفت
- ۴۳۴- معرفت
- ۴۳۵- معرفت
- ۴۳۶- معرفت
- ۴۳۷- معرفت
- ۴۳۸- معرفت
- ۴۳۹- معرفت
- ۴۴۰- معرفت
- ۴۴۱- معرفت
- ۴۴۲- معرفت
- ۴۴۳- معرفت
- ۴۴۴- معرفت
- ۴۴۵- معرفت
- ۴۴۶- معرفت
- ۴۴۷- معرفت
- ۴۴۸- معرفت
- ۴۴۹- معرفت
- ۴۵۰- معرفت
- ۴۵۱- معرفت
- ۴۵۲- معرفت
- ۴۵۳- معرفت
- ۴۵۴- معرفت
- ۴۵۵- معرفت
- ۴۵۶- معرفت
- ۴۵۷- معرفت
- ۴۵۸- معرفت
- ۴۵۹- معرفت
- ۴۶۰- معرفت
- ۴۶۱- معرفت
- ۴۶۲- معرفت
- ۴۶۳- معرفت
- ۴۶۴- معرفت
- ۴۶۵- معرفت
- ۴۶۶- معرفت
- ۴۶۷- معرفت
- ۴۶۸- معرفت
- ۴۶۹- معرفت
- ۴۷۰- معرفت
- ۴۷۱- معرفت
- ۴۷۲- معرفت
- ۴۷۳- معرفت
- ۴۷۴- معرفت
- ۴۷۵- معرفت
- ۴۷۶- معرفت
- ۴۷۷- معرفت
- ۴۷۸- معرفت
- ۴۷۹- معرفت
- ۴۸۰- معرفت
- ۴۸۱- معرفت
- ۴۸۲- معرفت
- ۴۸۳- معرفت
- ۴۸۴- معرفت
- ۴۸۵- معرفت
- ۴۸۶- معرفت
- ۴۸۷- معرفت
- ۴۸۸- معرفت
- ۴۸۹- معرفت
- ۴۹۰- معرفت
- ۴۹۱- معرفت
- ۴۹۲- معرفت
- ۴۹۳- معرفت
- ۴۹۴- معرفت
- ۴۹۵- معرفت
- ۴۹۶- معرفت
- ۴۹۷- معرفت
- ۴۹۸- معرفت
- ۴۹۹- معرفت
- ۵۰۰- معرفت
- ۵۰۱- معرفت
- ۵۰۲- معرفت
- ۵۰۳- معرفت
- ۵۰۴- معرفت
- ۵۰۵- معرفت
- ۵۰۶- معرفت
- ۵۰۷- معرفت
- ۵۰۸- معرفت
- ۵۰۹- معرفت
- ۵۱۰- معرفت
- ۵۱۱- معرفت
- ۵۱۲- معرفت
- ۵۱۳- معرفت
- ۵۱۴- معرفت
- ۵۱۵- معرفت
- ۵۱۶- معرفت
- ۵۱۷- معرفت
- ۵۱۸- معرفت
- ۵۱۹- معرفت
- ۵۲۰- معرفت
- ۵۲۱- معرفت
- ۵۲۲- معرفت
- ۵۲۳- معرفت
- ۵۲۴- معرفت
- ۵۲۵- معرفت
- ۵۲۶- معرفت
- ۵۲۷- معرفت
- ۵۲۸- معرفت
- ۵۲۹- معرفت
- ۵۳۰- معرفت
- ۵۳۱- معرفت
- ۵۳۲- معرفت
- ۵۳۳- معرفت
- ۵۳۴- معرفت
- ۵۳۵- معرفت
- ۵۳۶- معرفت
- ۵۳۷- معرفت
- ۵۳۸- معرفت
- ۵۳۹- معرفت
- ۵۴۰- معرفت
- ۵۴۱- معرفت
- ۵۴۲- معرفت
- ۵۴۳- معرفت
- ۵۴۴- معرفت
- ۵۴۵- معرفت
- ۵۴۶- معرفت
- ۵۴۷- معرفت
- ۵۴۸- معرفت
- ۵۴۹- معرفت
- ۵۵۰- معرفت
- ۵۵۱- معرفت
- ۵۵۲- معرفت
- ۵۵۳- معرفت
- ۵۵۴- معرفت
- ۵۵۵- معرفت
- ۵۵۶- معرفت
- ۵۵۷- معرفت
- ۵۵۸- معرفت
- ۵۵۹- معرفت
- ۵۶۰- معرفت
- ۵۶۱- معرفت
- ۵۶۲- معرفت
- ۵۶۳- معرفت
- ۵۶۴- معرفت
- ۵۶۵- معرفت
- ۵۶۶- معرفت
- ۵۶۷- معرفت
- ۵۶۸- معرفت
- ۵۶۹- معرفت
- ۵۷۰- معرفت
- ۵۷۱- معرفت
- ۵۷۲- معرفت
- ۵۷۳- معرفت
- ۵۷۴- معرفت
- ۵۷۵- معرفت
- ۵۷۶- معرفت
- ۵۷۷- معرفت
- ۵۷۸- معرفت
- ۵۷۹- معرفت
- ۵۸۰- معرفت
- ۵۸۱- معرفت
- ۵۸۲- معرفت
- ۵۸۳- معرفت
- ۵۸۴- معرفت
- ۵۸۵- معرفت
- ۵۸۶- معرفت
- ۵۸۷- معرفت
- ۵۸۸- معرفت
- ۵۸۹- معرفت
- ۵۹۰- معرفت
- ۵۹۱- معرفت
- ۵۹۲- معرفت
- ۵۹۳- معرفت
- ۵۹۴- معرفت
- ۵۹۵- معرفت
- ۵۹۶- معرفت
- ۵۹۷- معرفت
- ۵۹۸- معرفت
- ۵۹

ما خلشناس

یکی از مشکلات عمدہای که پیش روی محققان و دانشجویان تاریخ قرار دارد، کمبود متن‌های با موضوع روش تحقیق است که هم از نظر کمی و هم کیفی اصلاً قابل مقایسه با آن چه در علوم دیگری مانند جامعه‌شناسی، علم سیاست و ... شاهدیم، نیست

سعی دارد خوانندگان را در نوشتمن مقاله‌های تحقیقی در دانشگاه راهنمایی کند و مراحل اصلی تاریخ‌نگاری حرفه‌ای را برای خوانندگان توضیح دهد. در این کتاب علاوه بر آشنایی با روش‌های مطالعه و تحقیق در تاریخ با چگونگی موضوع یابی و برخی مباحث مهم تاریخی نیز آشنا می‌شوید. بنابراین، نه تنها در حل مشکلات و مسائل تحقیق تاریخی به شما کمک می‌کند؛ بلکه در پیاره‌ای موارد نیز می‌تواند راه‌گشایی برای مقاله‌نویسی در دیگر دروس دانشگاهی باشد. پس از مطالعه این کتاب و با به کارگیری روش‌های ارائه شده، خواننده باید هم یک راوی ماهر و هم یک کارگاه کار کشته شود تا بتواند با حل معماهای تاریخی و پاسخ به پرسش‌ها، حکایتی کم و بیش واقعی در مورد گذشته بیان کند.^{۱۰}

عنوان فصل اول هم‌خوانی چندانی با متن و محتوای آن ندارد. «نکاتی در باب تاریخ»، عنوانی است که برای این فصل انتخاب شده است، اما محتوای آن توضیحات سودمندی است درباره‌ی شیوه‌ی صحیح انتخاب موضوع و روش نگارش که چکیده‌ی آن به شرح زیر است: ۱. مقالات تاریخی خوب، عنوان دقیق و واضحی دارند. ۲. در مقاله‌ی تاریخی خوب، بحث‌های انجام شده باید واضح و روشنی ارائه شده باشند. ۳. مقاله‌های تاریخی خوب باید حاوی تفکرات اصلی مؤلف باشد، تا توان محتویات آن را در کتاب‌های درسی و یا دایره‌المعارف‌ها پیدا کرد.^{۱۱} ۴. یک مقاله‌ی تاریخی خوب همانند یک داستان خوب است. ۵. مقالات تاریخی خوب ساختاری گام به گام و مبتنی بر استاد و مدارک دارند. ۶. مقالات تاریخی خوب همواره با ذکر منابع، مستند می‌شوند.^{۱۲} مقالات تاریخی خوب نباید احساساتی باشند.^{۱۳} در یک مقاله‌ی خوب، اولین و آخرین پاراگراف اینبهای هم‌دیگر هستند.^{۱۴} در مقالات تاریخی باید اصول آیین نگارش و دستور زبان رعایت شود.^{۱۵} یک مقاله‌ی تاریخی باید مخاطب خاص خود را داشته باشد.

فصل دوم ضمن توصیه به نوشتمن و این که اساساً نوشتمن باعث تقویت فکر و ایده‌های جدید می‌شود، در خصوص اهمیت منابع تاریخی و چگونگی روبه‌رو شدن با آن‌ها و شیوه‌ی تحلیل، بررسی و ارزیابی مراجع گونه‌گون تاریخی، نکات ارزش‌ندهای در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. نویسنده در فواید «نوشتمن» می‌نویسد: «هر کاری که محقق را وادار به نوشتمن و بیشتر نوشتمن کند، فکر او را پر از ایده‌هایی می‌کند که قبل از شروع نگارش به مغز هم خطور نمی‌کند.^{۱۶}»

نویسنده در ادامه با طرح این موضوع که در مطالعه‌ی تاریخ همواره باید پرسش‌هایی را درباره‌ی رویداد، در ذهن ایجاد

منابع تحقیق؛ فیشبرداری و تنظیم داده‌ها^{۱۷} نقد، تصفیه و پالایش داده‌ها^{۱۸} تحلیل داده‌ها و دشواری‌های بازآفرینی تاریخ.^{۱۹} نگارش متن تحقیق و اجزای شکل‌دهنده‌ی پژوهش^{۲۰} ملاحظاتی دیگر درباره‌ی پایان‌نامه‌ها و نقد آثار پژوهشی^{۲۱}

-راهنمای نگارش در تاریخ (دست‌نامه‌ی تحقیق برای دانشجویان)، تألیف و ترجمه: دکتر مرتفعی نورایی، مشهد: جهاددانشگاهی مشهد، ۱۳۸۷

کتاب حاضر دارای یک پیش‌گفتار، مقدمه، هفت فصل و کتاب‌نامه است. عنوانین فضول هفتگانه عبارت است از: ۱. نکاتی درباره‌ی تاریخ. ۲. تفکر تاریخی. ۳. شیوه‌ی نگارش تاریخی. ۴. گردآوری اطلاعات. ۵. بادداشت‌برداری و تهیه‌ی پیش‌نویس ع ثبت منابع و مأخذ. ۷. نمونه پژوهش‌های دانشجویی. این اثر در واقع برگردان برخی از قسمت‌های کتاب زیر است:

Richard Marius and Melvin F. Page, A short Guide to Writing About History, New York, ۲۰۰۲: ۲۲۷

نویسانده در پیش‌گفتار کتاب در توضیح کاری که در قالب ترجمه و تالیف انجام داده، می‌نویسد: «ممکن‌لا کتاب‌هایی از این دست برای خوانندگان ایرانی دارای دو اشکال است. یکی مثال‌های آن که از جغرافیای سیاسی دایره‌ی زندگی مؤلف انتخاب شده و دیگر توصیه‌های ویراستاری است. بدین منظور بیش از نیمی از کتاب بالا برای خوانندگان این اثر در زبان فارسی باید دگرگون می‌شد. به عبارت دیگر حذف مثال‌ها و دستورالعمل‌های نگارشی و جایگزینی آن‌ها از موارد جغرافیای تاریخی ایران جهت کارایی لازم شد. در این زمینه تلاش شد تا ضمن اوردن مثال‌های متعدد لازم از متن تاریخی ایران، خوانندگان جوان را به منابع و مطالعات تاریخ رهمنمون سازد.^{۱۵}»

نویسنده در مقدمه‌ای نسبتاً طولانی با اشاره به ماهیت معرفت تاریخی و صعوبت‌های زیادی که در نیل به آن باید از سر گرفتارند، به نگارش تاریخ می‌پردازد و از آن به عنوان «یک روش تفکر»^{۱۶} یاد می‌کند: «تاریخ و نگارش دو بال یک پرنده هستند که قابل جداسازی نیستند. تاریخ را بدون نوشتمن درباره‌ی آن نمی‌توان به خوبی شناخت. نوشتمن در مورد تاریخ باعث می‌شود تا ما به افکار و کردارمان سامان دهیم و علفهای هر ز تناقض‌ها را از کشتزار ذهن‌مان ریشه کن کنیم.»^{۱۷}

سطور پایانی مقدمه‌ی کتاب اختصاص به هدف، انگیزه و قصدی دارد که نویسنده به دنبال آن بوده است: «این کتاب



نویسنده در فصل پنجم، شیوه‌های یادداشتبرداری و تهیه‌ی پیش‌نویس را توضیح داده است. نکته‌ای که در این قسمت مورد تأکید قرار گرفته، هم‌زمانی نهیه‌ی مواد تحقیق با نگارش آن است که دارای مزایای زیادی برای پژوهشگران است. شیوه‌های مختلف ارجاع به منابع و مأخذ‌گونه‌گون تاریخی در فصل ششم با ذکر مثال‌های مناسب توضیح داده است. نیز تنظیم فهرست منابع و مأخذ در پایان نوشتار هم از جمله موضوعاتی است که در این فصل به خوبی تشریح شده است. در نهایت، فصل پایانی کتاب اختصاص به دو نمونه از پژوهش‌های دانشجویی دارد که مطالعه‌ی آن‌ها می‌تواند نشن دهنده‌ی راه‌های عملی نگارش تحقیقی باشد.

آن‌چنان‌که از توضیحات فوق در معرفی کتاب راهنمای نگارش در تاریخ برمی‌آید، مطالعه و مباحثت مفیدی در آن جای گرفته که مطالعه‌ی آن‌ها برای پژوهشگران و بهویژه دانشجویان تازه‌کار می‌تواند بسیار مفید باشد. بخشی از تکنیک‌های پژوهشی در این کتاب به خوبی توضیح داده شده است. اما واضح است که مخاطب این کتاب بیشتر مبتدیان هستند تا دانشجویانی که با یادگیری این مباحثت در مقطع کارشناسی، آماده می‌شوند در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری به صورت پیشرفته و حرفه‌ای تر به تحقیق و نگارش روی پیلوئند.

روش پژوهش در تاریخ، حسین میرجعفری و مرتضی نورایی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷

نویسنده‌گار، ساختار کتاب را در دو بخش تنظیم کرده‌اند. بخش اول با عنوان «مراحل تحقیق» مباحثتی از قبلی: ۱. موضوع یابی ۲. منبع‌شناسی ۳. یادداشتبرداری ۴. سازماندهی تحقیق را در دون خود دارد. اما موضوعات محوری که در بخش دوم با عنوان «مراحل ثانویه تحقیق» مورد بحث و بررسی قرار گرفته، عبارت است از: ۱. چگونگی نگارش ۲. متن ۳. مستندات و ۴. مبانی و اصول مورخی.

موضوعاتی که در قالب فصول مختلف در این کتاب به بحث گذاشته شده، برای محققان آکادمیک تاریخ می‌تواند بسیار سودمند باشد. نویسنده‌گان کتاب سعی کرده‌اند مباحثت کلیدی که در پژوهش‌های تاریخی بایستی مورد توجه دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری قرار گیرد، در قالب مثال‌های ساده و گویا از تاریخ اسلام و ایران، ارائه کنند.

روش تحقیق عمومی، دکتر احمد پاکچی، ویرایش و تغییل: مصطفی فروتن نهیا، تهران: انجمن علمی دانشجویی الهیات دانشگاه امام صادق(ع)، چاپ اول ۱۳۸۷

این کتاب که درس گفارهای دکتر پاکچی در دانشگاه امام صادق(ع) است، در ۵ فصل به شرح زیر تنظیم یافته است:

فصل اول.. ماهیت و استانداردهای تحقیق. نویسنده در این فصل موضوعاتی مانند تفاوت بین مطالعه و تحقیق، ویژگی‌های یک تحقیق، ویژگی‌های فردی محقق و استانداردهای تحقیق مثل ایده، تعیین موضوع و امکانات را به بحث گذاشته است.

فصل دوم - مطالعه‌ی اولیه. در این فصل مطالعات پیشین و نخستین در فرایند پژوهش مانند نحوه استفاده از کتاب‌خانه‌ها، منابع مطالعه‌ی اولیه، روش کار با منابع و منبع یابی مورد توجه قرار گرفته است.

فصل سوم - یادداشتبرداری. روش‌های یادداشتبرداری و روش‌های

کرد و برای پاسخ دادن به آن پرسش‌ها به غور در منابع اولیه و ثانویه روی آورد، پنج پرسش کلیدی را این‌گونه طرح می‌کند: ۱. پرسش‌های کیستی ۲. پرسش‌های چیستی ۳. پرسش‌های زمانی (کی) ۴. پرسش‌های مکانی (کجا) و ۵. پرسش‌های چرا. هم‌زمان نویسنده پرسش‌های چرا بی که در مطالعات تاریخی نسبت ویژی با یکدیگر دارند. با این حال نکاتی را در طرح سوالات چرا بی باید در نظر گرفت: ۱. همواره باید بین عامل بی واسطه یا نزدیک و عوامل زمینه ساز یک رخداد مهم تمايز قائل شد؛ ۲. علت‌شناسی تاریخی فرایندی مرکب و پیچیده است؛ ۳. در داوری خود پیوسته باید محاط باشد؛ ۴. از سفسطه‌های معمول تاریخی باید دوری کرد.^۶

نویسنده در فصل سوم به تشریح چهار سبک نگارشی که مورد استفاده تاریخ پژوهان قرار می‌گیرد، پرداخته است: ۱. سبک نگارش توصیفی (description)؛ ۲. سبک نگارش روایی - نقایی (narrative)؛ ۳. سبک نگارش تحلیلی (exposition)؛ ۴. سبک نگارش چرا (argument). سبک نگارش چرا برای واژه‌ی argument معادل فارسی چرا بی را انتخاب کرده است که به نظر می‌رسد نارساست. زیرا در ادبیات فارسی مفهوم چرا بی دریاباری پژوهش‌های تحلیلی به کار می‌رود. یعنی نوع سوم از نگارش‌ها که در همین فصل مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است، اما آن‌گونه که از توضیحات نویسنده‌گان اصلی این کتاب برمی‌آید، روش نگارش argumental روشنی است که در ادبیات فارسی از آن به روش احتجاجی و مباحثه‌ای باد می‌شود. «این روش همانند یک گفت‌وگو (دیالوگ) و مناظره بین طرف‌های مختلف است از که یک طرف سعی در اثبات درستی نظریه خود و نادرستی دیگر نظریات دارد»^۷. بابراین به نظر می‌رسد اگر مترجم به جای نگارش چرا از نگارش مباحثه‌ای و یا احتجاجی برای ترجمه argument استفاده می‌کرد، گویا برای بود و تداخلی در ذهن خواننده‌گان بین روش تحلیلی و چرا بی ایجاد نمی‌گردد.

به هر حال، نویسنده در این فصل تلاش می‌کند با تبیین روش‌های مختلف نگارش تاریخی به این جمع‌بندی برسد که پژوهش‌های تاریخی می‌توانند ترکیبی از روش‌هایی یادداشت باشند. یعنی روش توصیف، روایت و تحلیل می‌تواند هم‌زمان و در کنار یکدیگر و یا در طول هم در پژوهش‌های تاریخی مورد توجه و استفاده‌ی پژوهشگران تاریخی قرار بگیرد. مباحثت پایانی این فصل چند توصیه‌ای اصولی به پژوهشگران تاریخ است. این که: ۱. همیشه مبانی نظری خود را به طور صریح و مختصر بیان کنید؛ ۲. برای اثبات نظر خود، مثال‌هایی ارائه کنید؛ ۳. همیشه در برخورد با کسانی که با نظر شما مخالف هستند، منصفانه برخورد کنید؛ ۴. همواره باید کاستی‌ها و ضعف‌های نظریه‌ی خود را پذیرفت. مواردی را که مخالفان ممکن است در تقابل با نظر مطرح شده بیان کنند، شناسایی و تصدیق کنید؛ ع در مقاله‌ای خود نباید از موضوع اصلی دور شد و با انباشتن کوھی از جزئیات بی‌مورد، اصل مطلب را گم کرد.^۸

چگونگی انتخاب موضوع و عنوان برای پژوهش، انواع منابع تاریخی (اولیه و ثانویه)، شیوه‌ی جست‌وجو در منابع تاریخی و منابع مرجع مانند دائیره‌المعارف‌ها، کتاب‌خانه و راهنمای مجلات تخصصی (index)، مخوبه‌های اصلی مباحثت فصل چهارم کتاب با عنوان «گردآوری اطلاعات» را تشکیل می‌دهند که در جای خود مباحثت سودمندی را در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

مباحث سودمندی است که در آن قرار دارد: ۱. تاریخ چیست؟ ۲. زمان و مکان در تاریخ. ۳. شیوه‌های مختلف انتقال خبر و کشفیات بزرگ. ۴. بررسی شواهد و مدارک به شیوه‌ی علمی، علوم کمکی سنتی، شواهد مصور و... ۵. ابزار جدید رسانه‌ها - شواهد ضبطشده عجیب گرایش تازه. ۶. حفاظت و نگهداری آثار و شواهد گشته و ارائه‌ی آن‌ها. ۷. علوم کمکی سنتی، استاد و شواهد کتبی. ۸. بهره‌داری انتقادی از مدارک و شواهد. ۹. حرفه‌ی تاریخ‌نویسی.

تمام مباحث مندرج در این کتاب، از جمله موضوعات مهمی است که بایستی از سوی پژوهشگران مورد توجه و امعان نظر قرار بگیرد. اما همان‌گونه که از عنوان فصول مختلف کتاب برمری آید، تکیه‌ی اصلی نویسنده‌گان این کتاب به منابع، استاد و مدارک تاریخی و چگونگی بررسی و نقد و ارزیابی آن‌ها قرار دارد و از دیگر موضوعات روشنی در حوزه‌ی تاریخ ورزی تقریباً می‌توان گفت غفلت شده و یا بسیار مختصر بدان‌ها پرداخته شده است. به عبارت دیگر این اثر بیشتر به منبع شناسی و معرفی شاخه‌ها و شعبات علم تاریخ و علوم همپیوند با آن می‌پردازد تا صرف روش تحقیق در تاریخ.

پی‌نوشت

1. hazrati@ut.ac.ir

۲. دوست فاصلم دکتر ناصرالله صالحی در مقاله‌ای، به معرفی و بررسی مفاهیت و کتاب‌هایی که درباره‌ی روش تحقیق در تاریخ نویسه شده است، پرداخته‌اند. بنابراین برای پرهیز از تکرار در نوشتار پیش‌رو از بحث درباره‌ی کتاب‌های این دگرگش تاریخ و شیوه‌ی پاسخی این می‌توان گفت اثر قائم مقامی به مراتب قوی‌تر و منسجم‌تر از کار کلارک است. هفت محور اصلی در این کتاب (هدف از تحقیق، انتخاب موضوع، وسائل لازم، نقد شواهد، ارائه شواهد) حاوی توضیحات اولیه و معمولی است که البته برای دانشجویان کارشناسی که تازه شروع به تحصیل در رشته تاریخ می‌کنند، می‌تواند مفید باشد. با توجه به این که چاپ اول کتاب در سال ۱۹۵۸م. بوده، بنابراین نمی‌توان بر کیفیت پایین آن زیاد خرد گرفت.

۳. داکر، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در تاریخ، م. داکر، تهران: نشر آیت، بی‌تا، ص ۱۱
۴. همانجا
۵. همو، ص ۱۵
۶. همو، ص ۲۱
۷. همو، ص ۲۳
۸. همو، ص ۳۴
۹. همو، ص ۳۶
۱۰. همو، ص ۲۷
۱۱. همو، ص ۳۸
۱۲. همو، ص ۴۵
۱۳. همو، ص ۶۲
۱۴. همانجا

۱۵. نورابی، مرتفعی؛ راهنمای نگارش در تاریخ (دستنامه تحقیق برای دانشجویان)، مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۸۷، چاپ اول. ص ۱۰

۱۶. همو، ص ۱۸
۱۷. همو، ص ۲۶
۱۸. همو، ص ۴۶
۱۹. ص ۵۱-۵۴
۲۰. همو، ص ۷۲
۲۱. همو، ص ۷۷

طبقه‌بندی موضوعی فیش‌ها در این فصل مورد اشاره قرار گرفته است. فصل چهارم - نوشتن نهایی. نویسنده در این فصل مراحل نوشتن، شوه‌های نگارش و رعایت اصول پاراگراف‌بندی و ارجاع‌دهی را مورد توجه قرار داده است.

فصل پنجم - آشنایی با دایره‌المعارف‌ها. در این فصل همان‌گونه که از عنوان آن برمری آید، نویسنده سعی کرده است دانشجویان را با انواع دایره‌المعارف‌های عمومی و تخصصی آشنا سازد و چگونگی استفاده مطلوب از آن‌ها را به آنان بیاموزد.

درس گفتارهای دکتر پاکتچی از حیث آشنا شدن دانشجویان با اصول اولیه‌ی روش تحقیق می‌تواند مفید باشد. بهویژه این‌که در متن کتاب برای انتقال مطالب از مثال‌های بسیار مناسب و فراوانی استفاده شده است که همین ویژگی می‌تواند مزیت عمدی این اثر باشد.

- مقدمه‌ای بر روش تحقیق در تاریخ، ج. کیتسن کلارک، ترجمه

اوанс اوانسیان، تهران: اساطیر، ۱۳۶۲

این کتاب ۶۵ صفحه‌ای ترجمه‌ای است از:

Guide For Research Student Working On Historical Subjects,

C.U.P, Second Edition, ۱۹۶۸

این کتاب بیشتر شبیه به جزوی‌ی درسی دانشگاهی است که نویسنده آن را با هدف در اختیار قرار دادن اصول اولیه‌ی روش تحقیق برای دانشجویانش تهیه کرده است. مطالب آن بسیار شبیه به کتاب قائم مقامی است. اما به جرات می‌توان گفت اثر قائم مقامی به مراتب قوی‌تر و منسجم‌تر از کار کلارک است. هفت محور اصلی در این کتاب (هدف از تحقیق، انتخاب موضوع، وسائل لازم، نقد شواهد، ارائه شواهد) حاوی توضیحات اولیه و معمولی است که البته برای دانشجویان کارشناسی که تازه شروع به تحصیل در رشته تاریخ می‌کنند، می‌تواند مفید باشد. با توجه به این که چاپ اول کتاب در سال ۱۹۵۸م. بوده، بنابراین نمی‌توان بر کیفیت پایین آن زیاد خرد گرفت.

- روش‌های پژوهش در تاریخ، شارل ساماران (با همکاری مؤلفان)، مترجمان: ابوالقاسم بیکناد او دیگران، مشهد: استان قدس رضوی، ۱۳۷۰، ج. ۴.

شاید مفصل‌ترین کتابی که درباره‌ی روش تحقیق در تاریخ نوشته شده، اثر حاضر باشد. ناروا نیست اگر به گفته‌ی نویسنده‌گان، برای توصیف آن از واژه‌ی «دایره‌المعارف» استفاده شود. کتاب موردنظر با همکاری گروهی از متخصصان و استادان علم تاریخ در فرانسه نوشته شده است. هر چند اغلب مقالات آن با شیوه‌های پژوهش در تاریخ فرانسه مربوط می‌شود، لکن همچنان که در مقدمه‌ی کتاب آمده، این اثر همچون مجموعه‌ای است که می‌تواند پاسخ‌گوی نیاز محققان در بررسی تاریخ دیگر کشورها نیز باشد. از این روسست که ناشران کتاب آن را «دایره‌المعارف» نیز نامیده‌اند. کتاب روش‌های پژوهش در تاریخ را انتشارات گالیمار در سلسه کتاب‌های پلیاد به سال ۱۹۶۵ در ۴ جلد منتشر کرد. در ایران چند تن از اهل فن به ترجمه آن همت گماردند که در دو مجلد در دسترس خوانندگان قرار گرفته است.

فهرست مطالب اجمالی کتاب، خود به خوبی گویای حجم گسترده و متنوع